

## مدیران و خانواده در قرآن

محمد عابدی میانجی

مرکز فرهنگ و معارف قرآن

### مقدمه

خانواده کوچک‌ترین واحد اجتماعی است، لکن چون جامعه بشری از اعضای خانواده‌ها تشکیل می‌شود،

تأثیر عمیق خانواده بر جامعه غیرقابل انکار است.<sup>۱</sup>

از این منظر نگاه قرآن کریم به خانواده به دو بخش قابل تقسیم است:

الف) خانواده به عنوان واحد مستقل اجتماعی.

ب) خانواده به عنوان واحد مؤثر در زیرساخت واحدهای بزرگ‌تر اجتماعی.

در این نوشته به نقش دوم خانواده و تأثیر و تأثر افراد آن بر واحدهای بزرگ‌تری که مدیریت آنها را به عهده

دارند، می‌پردازیم، هر چند ناگزیر از اشاره به بخش اول هم هستیم.

### بخش اول: ویژگی‌های خانواده مدیران

در کنار ویژگی‌های عمومی خانواده‌ها، هر صنف و گروه اجتماعی ویژگی‌های خاص خود را دارد. از نگاه

قرآن کریم خانواده، حاکمان مدیران و گروه‌های بالادست (اجتماعی، معنوی و...) ویژگی‌های خاص و گاه

برتری نسبت به دیگران دارند. برخی از این خصوصیات چنین است.

#### ۱. آگاهی بیشتر

در سوره احزاب بعد از آنکه خداوند دستوراتی به خانواده پیامبر به عنوان پیامبر و رهبر جامعه اسلامی

۱. یافته‌های علمی و آماری هم این دیدگاه را تقویت می‌کند. برای نمونه طبق آخرین آمار تحقیقی که به روش تصادفی و از میان دانش‌آموزان اول تا سوم راهنمایی پسر و دختر به‌دست آمده است ۳۳ درصد تربیت صحیح و نصیحت و تشویق از سوی خانواده را در نماز خوان بودن فرزندان مؤثر دانستند. نتایج آمار توسط دکتر علی دودمان کوشکی؛ در ۱۸ اسفند ۱۳۸۴ ش. در روزنامه کیهان به چاپ رسیده است.

می دهد، می فرماید: «وَاذْكُرْنَ مَا يُتْلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ»<sup>۱</sup> و آنچه از آیات خدا و حکمت در خانه های شما تلاوت می شود را به یاد آورید.»

## ۲. موقعیت برتر

علاوه بر آگاهی بیشتر، انتساب به حاکمان، رهبران و مدیران موقعیتی برتر، برای زنان پدید می آورد. به این آیه توجه کنیم:

﴿يٰۤاَيُّهَا النِّسَاءُ اَلْتَّبِعِيْنَ كَاٰحِدٍ مِّنَ النِّسَاءِ اِنَّ اَتَّقِيْنَ فَلَآ تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ...﴾<sup>۲</sup>؛ ای زنان پیامبر! (شما) همچون یکی از زنان (معمولی) نیستید؛ اگر خود نگهداری (و پارسایی) کنید، پس به نرمی (و ناز) سخن مگویید....

خداوند متعال در آیات سوره احزاب، هفت دستور ویژه به همسران پیامبر داده است؛ مانند: عفت، شایسته سخن گفتن، در خانه ماندن، نماز، زکات، اطاعت خدا و اطاعت رسول ﷺ. لکن این احکام برای همه است و حکمت تکیه آیات بر زنان رسول ﷺ به عنوان تأکید است، درست مثل اینکه به شخص دانشمند بگوییم تو که دانشمندی، دروغ نگو.<sup>۳</sup> در تفسیر نمونه درباره این آیات آمده است.

«اگرچه مخاطب در این سخنان همسران پیامبرند، ولی محتوای آیات و نتیجه آن همگان را شامل می شود. مخصوصاً کسانی که در مقام رهبری خلق و پیشوایی و تأسی مردم قرار گرفته اند. آنها همیشه بر سر دو راهی قرار دارند؛ یا استفاده از موقعیت های ظاهری خویش برای رسیدن به زندگی مرفه مادی و یا تن دادن به محرومیت ها برای نیل به رضای خدا و هدایت خلق.»<sup>۴</sup>

## ۳. الگو بودن

همان گونه که حاکمان، مدیران و به طور کلی افراد دارای موقعیت برتر همواره مورد توجه افراد پایین دست بوده و الگوی آنان قرار می گیرند، خانواده آنان نیز همین کارکرد را دارند و خواسته و ناخواسته رفتارشان مورد تقلید و آرزوی دیگر خانواده ها قرار می گیرد. از این رو گروه هایی که همواره در طبقات فوقانی هرم های

۱. احزاب / ۳۴.  
۲. احزاب / ۳۲.  
۳. همان، ص ۲۸۲ و ۲۸۴.  
۴. همان، ص ۲۸۲ و ۲۸۴.

۱. احزاب / ۳۴.  
۲. احزاب / ۳۲.  
۳. تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۲۹۰.  
۴. همان، ص ۲۸۲ و ۲۸۴.

اجتماعی، علمی، سیاسی و معنوی قرار دارند، اگر صالح باشند، موجب صلاح طبقات پایین تر خواهند شد و در صورت فساد آنان، به سبب نظام الگوگیری از پایین به بالا، فساد تدریجی طبقات پایین آغاز خواهد شد. همین کارکرد است که زورمداران جهان را همواره به فساد کردن زمامداران و قشرهای مؤثر جوامع واداشته است.

در تفسیر نمونه ذیل آیه ۳۰ سوره احزاب به این واقعیت که خانواده مدیران الگوی عملی و نماد راه طی شده و موفقیت‌آمیز برای دیگران هستند، توجه شده است:

«همیشه مقامات حساس و افتخارآمیز، وظایف سنگینی نیز همراه دارد. چگونه زنان پیامبر می‌توانند ام‌المؤمنین باشند ولی فکر و قلبشان در گرو زرق و برق دنیا باشد؟... نه تنها پیامبر ﷺ به مقتضای آیات پیشین «اسوه» مردم است، که خانواده او نیز باید اسوه خانواده‌ها و زنانش مقتدای زنان با ایمان تا دامنه قیامت گردند.»<sup>۱</sup>

آری در حقیقت ملاک اصلی در این آیات شخصیت و موقعیت اجتماعی است، لذا علاوه بر همسران پیامبر، تمام افراد صاحب موقعیت اجتماعی را هم شامل می‌شود و شاید بتواند گفت این افراد در کنار بُعد شخصی، دارای بُعد اجتماعی هستند و از این لحاظ در روند رویکردها، رفتارها و گزینش‌های عمومی در جامعه اثرگذارند و به همین دلیل باید به آثار اجتماعی کردارشان توجه شود.

#### ۴. طمع دیگران

آگاهی بیشتر، موقعیت برتر و الگو بودن، عوامل مهمی برای جلب طمع فرصت طلبان و موقعیت جویان است و در طول تاریخ، خانواده حاکمان، رهبران و زعمای سیاسی و مذهبی و مدیران از این جهت در معرض آسیب بوده‌اند. به عبارت دیگر این امتیاز بزرگ همواره بزرگ‌ترین آسیب رسان به مدیران و اهداف آنان بوده است. از این رو خانواده و مدیران باید این خطر را احساس کنند و به عنوان عنصر خط دهنده در رفتارهای خود آن را فراموش نکنند. چنین خطر مهمی است که موجب می‌شود خداوند از پیامبر بخواهد به همسرانش بگوید:

۱. همان، ص ۲۷۹؛ و رک: همان، ج ۱۷، ص ۲۸۴. با توجه به این استدلال نتیجه می‌گیرند که مفهوم مضاعف یا مرتب افزایش ثواب و عقاب است؛ نه دو یا چند برابر شدن آن.

«ای زنان پیامبر! شما مانند هیچ یک از زنان نیستید، اگر تقوا پیشه کنید، پس به گونه‌ای هوس‌انگیز سخن نگویند که بیمار دلان در شما طمع کنند و سخن شایسته بگویند و در خانه‌هایتان بمانید و همچون دوران جاهلیت نخستین (میان مردم) ظاهر نشوید و نماز را بر پا دارید و زکات را بپردازید و خدا و رسولش را اطاعت کنید...»<sup>۱</sup>

باید توجه کرد که خداوند در آغاز این آیات می‌فرماید: «شما اگر تقوا پیشه کنید، مانند زنان دیگر نیستید»، آنگاه تکالیفی که بین همه زنان مشترک است را می‌آورد. دلیل چنین کاری چه می‌تواند باشد؟ به نظر علامه طباطبایی خداوند تکلیف آنها را مورد تأکید قرار می‌دهد و گویا می‌فرماید: شما مثل دیگران نیستید، پس واجب است در این گونه تکالیف بیشتر از دیگران مواظبت کنید. مضاعف شدن پاداش خیر و شر هم گویای همین است، این چون مضاعف شدن پاداش جدای از مؤکد بودن تکلیف نیست.<sup>۲</sup>

#### ۵. مسئولیت فزون‌تر

مسئولیت هرکسی در یک نظام عادلانه و معقول بر اساس میزان کارایی و شایستگی‌های او تعیین می‌شود. از این رو خانواده مدیران که به دلیل الگو بودن کارایی فزون‌تری در جامعه دارند، مسئولیت بیشتری هم خواهند داشت و تکالیف آنها سنگین‌تر خواهد شد و چون میزان ثواب و عقاب متناسب با مسئولیت است، ثواب و عقاب آنان هم افزون‌تر است «ای زنان پیامبر! هرکس از شما (کار) زشت آشکاری (به جا) آورد، برای او عذاب دو چندان افزوده می‌شود و آن بر خدا آسان است. و هرکس از شما برای خدا و فرستاده‌اش با فروتنی فرمانبرداری کند و (کار) شایسته‌ای انجام دهد. پاداشش را دوبار به او خواهیم داد؛ و روزی ارجمندی برای او آماده کرده‌ایم.»<sup>۳</sup> لذا علامه طباطبایی ذیل آیه ۲-۳۱ سوره احزاب یادآور می‌شود که: «مضاعف شدن جزا از مؤکد بودن تکلیف جدا نیست.»<sup>۴</sup> با این توضیح می‌توان معنای این آیات را بهتر درک کرد:

۱. احزاب/ ۳۲-۳۳؛ رک: تیان، ج ۸، ص ۲۳۴؛ مجمع البیان، ج ۸، ص ۵۵۴؛ تفسیر کبیر، ج ۲۵، ص ۲۰۷؛ تحریر، ج ۲۱، ص ۳۱۳.

۲. المیزان، ج ۱۶، ص ۳۰۷.

۴. همان.

## بخش دوم: مدیران و خانواده

### الف: همکاری خانواده با مدیران

اینک که ویژگیهای خانواده و مدیران بیان شد، می‌توان چگونگی تعامل آنها را دقیق‌تر ترسیم کرد. در این جا باید از دو طرف به موضوع نگریست. ابتدا تعامل سازنده با مدیران و آنگاه مانع‌سازی آنان برای مدیران. البته وظایف مدیران در برابر خانواده (به عنوان طرف دیگر تعامل) هم در این قسمت جای می‌گیرد که به دلیل اهمیت بحث در بخشی جداگانه به آن خواهیم پرداخت.

#### ۱: تعامل سازنده

مواضع خانواده و بستگان در مقابل مدیران، گاه تعامل مثبت و زمانی تعامل منفی است. یکی از مهم‌ترین نمونه‌های تعامل سازنده را می‌توان همکاری کامل حضرت خدیجه رضی الله عنها با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سخت‌ترین شرایط مکه دانست؛ شرایطی که تصور دشواری آن، غیر ممکن به نظر می‌رسد. علاوه بر این الگوی جاوید باید از همسر حضرت علی رضی الله عنه یعنی فاطمه زهرا رضی الله عنها یاد کرد.<sup>۱</sup> به عنوان نمونه قرآنی از همسر حضرت ایوب<sup>۲</sup> نیز یاد می‌کنیم. در آیاتی از سوره احزاب نیز خداوند همسران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را به همراهی با وی تشویق می‌کند:

«وَمَنْ يَفْتَنُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَتَعْمَلْ صَالِحًا نُؤْتِهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا»<sup>۳</sup>؛ هر کس از شما خاضعانه از خدا و پیامبرش فرمان برد و کار شایسته کند، اجرش را دوبار به او می‌دهیم و برای او عطایی ارجمند آماده کرده‌ایم.

از میان فرزندان هم می‌توان به حضرت اسماعیل فرزند حضرت ابراهیم رضی الله عنه اشاره کرد که الگوی تعامل مثبت است.<sup>۴</sup>

۱. تفصیل فداکاریها و همکاریهای سازنده این دو بانوی بزرگوار در کتب تاریخی فریقین آمده است.

۲. المیزان، ج ۱۴، ص ۳۱۴.

۳. احزاب / ۳۱؛ گرچه مخاطب در این سخنان همسران پیامبرند، ولی محتوای آیات و نتیجه آن همگان را شامل می‌شود، خصوصاً کسانی که در مقام رهبری خلق و پیشوایی و ناسی مردم قرار گرفته‌اند؛ (نمونه، ج ۱۷، ص ۲۸۲)؛ و ر.ک: احزاب / ۲۹.

۴. صافات / ۱۳۷.

## ۲. تعامل منفی (مانع‌سازی)

همسران برخی پیامبران چون نوح و لوط، فرزندان تعدادی از آنان مانند فرزند نوح و آدم؛ بستگان برخی

پیامبران مانند پیامبر اکرم ﷺ از آن جمله‌اند. درباره نوح می‌خوانیم:

«[نوح] گفت: ای قوم من. به من خبر دهید. اگر از جانب پروردگارم دلیلی روشن داشته باشم. و او از نزد خود رحمتی به من ارزانی داشته باشد که بر شما [به سبب اعراضتان] ناشناخته مانده است، آیا ما می‌توانیم آن را با این‌که از آن کراهت دارید بر شما تحمیل کنیم؟»<sup>۱</sup>

### بخش سوم: وظایف مدیران در برابر خانواده

وظایف مدیران به تناسب کارکرد ویژه خانواده‌هایشان، بیشتر از اشخاص دیگر خواهد بود. نگاهی به قرآن کریم نشان می‌دهد که وظیفه ابتدایی آنان آموزش خانواده است. قدم دوم، حفظ آنان از خطر و سرانجام در صورت مثمر ثمر نبودن آن، جدا کردن راه خود از آنان است.

#### ۱: آموزش و تبیین حق

سیره پیامبران ﷺ آکنده از این روش است. به عنوان نمونه به آیاتی اشاره می‌کنیم:

«و ابراهیم و یعقوب پسران خود را به آن (آیین) سفارش کردند: ای پسران من! در حقیقت خدا برای شما این دین را برگزیده است؛ پس نمیرید مگر در حالی که مسلمانیید. آیا هنگامی که مرگ یعقوب فرا رسید (شما) شاهد بودید؟ وقتی که به پسرانش گفت: «پس از من چه چیز را می‌پرستید؟» گفتند: معبود تو و معبود نیاکانت؛ ابراهیم و اسماعیل و اسحاق را می‌پرستیم و ما تنها تسلیم او هستیم.»<sup>۲</sup>

مفسران در ذیل این آیات به مسئولیت پدر در تربیت فرزند و حقوق فرزند بر پدر پرداخته‌اند<sup>۳</sup>؛ اما روشن است که این اشخاص به عنوان پیامبران الهی و رهبران دینی هم باید مورد توجه باشند. این رهبران خانواده‌های خود را آموزش می‌دهند و در حساس‌ترین لحظات (هنگام مرگ) آموزه‌های خود را به صورت توصیه و وصیت مورد تأکید قرار می‌دهند.

۱. بحزاب / ۲۸. ۲. بقره / ۱۳۲ - ۱۳۳.

۳. تفسیر کاشف، ج ۱، ص ۲۰۹.

براساس آیه ۳۸ سوره احزاب نیز پیامبر ﷺ هنگام مواجهه با مانع سازی همسران، ابتدا به تبیین راه حق و باطل می پردازد و به این ترتیب به آنها توضیح می دهد که: «توسعه زندگی و بهره گیری از زندگی و زینتها با همسری پیامبر و زندگی در کنار او قابل جمع نیست. همین طور هر یک از دو طرف (دنیا - آخرت) را مقید به طرف دیگر می کند و منظور از «اراده حیات دنیا و زینت هایش» اصل قرارداد آن است؛ چه آخرت را هم اراده کنند یا نه و مراد از «اراده حیات آخرت» هم اصل قرار دادن آن «در تعلق قلب به آن» است، چه توسعه دنیوی ایجاد شود یا نه»<sup>۱</sup>.

## ۲: حفظ خانواده از خطر

مدیران علاوه بر آموزش خانواده و تبیین حق و باطل و مواضع خطر، باید در عمل هم برای حفظ خانواده از خطر بکوشند. این کار می تواند با ایجاد حریم یا امر و نهی ممکن باشد. اینک به توضیح دو راهکار مذکور می پردازیم:

### اول: ایجاد حریم

اولین توصیه، ایجاد حریم بین اعضای خانواده و دیگران است؛ به گونه ای که لزوم حفظ حرمت و کرامت اعضای خانواده، موجب قطع طمع شود و امکان آسیب رسانی به دیدگاهها، گرایشها، رفتارها و اظهار نظرهای آنان از بین برود. نمونه هایی از آموزه های قرآنی چنین است:

۱. دستور حجاب به زنان پیامبر ﷺ؛ با این که حجاب حکم عمومی است.

۲. دستور به سخن نگفتن با صدای نازک.<sup>۳</sup>

۳. ماندن در خانه و تبرج نکردن.<sup>۴</sup>

۴. سخن گفتن با رعایت حریم، با زنان پیامبر ﷺ.

۲. احزاب / ۵۹.

۴. همان، ۳۳، رک: تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۲۸۲.

۱. میزان، ج ۱۶، ص ۳۰۵.

۳. همان، ص ۳۲.

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خانه‌های پیامبر داخل نشوید... و چون از آنها (زنان پیامبر) چیزی خواستید، از پشت حجاب بخواهید. این برای قلب شما و قلب آنها پاکیزه‌تر است.»<sup>۱</sup>

نکته مهم در این است که: آیات می‌پذیرند که مردم ناچار از ارتباط با خانواده رهبران و مدیران هستند که این هم به کارکردهای ویژه آن خانواده‌ها در جامعه، بر می‌گردد. بنابراین با پذیرش اصل این نیاز و ضرورت، قرآن کریم راهکارهایی ارائه می‌دهد که این ارتباط، سالم و نظام‌مند باشد و راه سوء استفاده‌ها بسته شود.

این رویکرد به معنای محدود کردن زنان و خانواده نیست، بلکه هدف از آن ایجاد مصونیت برای خانواده و پیشگیری از طمع و ورزیهایی است که می‌تواند اهداف مدیران را مخدوش سازد. از سوی دیگر مدیران هم برای پیشبرد اهداف خود، گاه ناچارند از خانواده استفاده کنند؛ بخصوص در حوزه‌هایی که خود حضور ندارند یا توان ایجاد ارتباط و تعامل موجود نیست. نمونه‌ای از این ارتباط را می‌توان در اوایل نبوت پیامبر ﷺ (انجام برخی امور توسط حضرت خدیجه رضی الله عنها)، زمان امام علی رضی الله عنه (فعالیت‌های حضرت فاطمه رضی الله عنها)، زمان امام حسین رضی الله عنه (تلاش‌های حضرت زینب رضی الله عنها) و دوره امام عسکری رضی الله عنه و امام زمان رضی الله عنه (زحمات حضرت نرجس خاتون و حکیمه خاتون) هم دید.

دوم: امر و نهی خانواده

علاوه بر دورنگاه داشتن خانواده از خطر، عنصر امر و نهی به طور خاص جایگاه مهمی در آسیب زدایی درونی از خانواده و رهبران و مدیران دارد؛ همین طور که این عنصر، در تمام طبقات اجتماعی چنین کارکردی دارد.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقْوُدُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ...»<sup>۲</sup>؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خودتان و خانواده‌تان را از آتشی هیزم آن مردم و سنگهاست، حفظ کنید.

از جمله نکات مربوط به بحث در این آیه می‌توان به این مطالب اشاره کرد:

۲. تحریم / ۶

۱. احزاب / ۵۳، رک: مجمع البیان، ج ۸، ذیل آیه.



۱. تعبیر به «قوا» (نگه دارید) اشاره به این است که شما وظیفه دارید که آنها را از سقوط در آتش دوزخ حفظ کنید.<sup>۱</sup> همانطور که وظیفه دارید خودتان را حفظ کنید.

۲. بر اساس آیه، مردان مسئولیت بیشتری در برابر خانواده خود دارند. آیه کریمه با تأکید زیادی به این مسئولیت اشاره می‌کند.

۳. وقتی از امام صادق علیه السلام سؤال شد چگونه خود و اهل خود را از آتش حفظ کنیم، فرمود: «تامرو نهن و تنهونهن؛ آنها را امر و نهی کنید». پرسیده شد: عمل نمی‌کنند! فرمود: وقتی امر و نهی کردید، آنچه را که بر عهده‌تان بود، انجام داده‌اید.<sup>۲</sup>

۴. علامه مجلسی در توضیح چگونگی نگه داشتن خانواده از آتش می‌نویسد:

(الف) دعوت آنان به اطاعت خدا.

(ب) یاد دادن فرائض و واجبات.

(ج) نهی از بدی و امر به خوبی.<sup>۳</sup>

در نگاه به آیات قرآن روشن می‌شود که پیامبران بارها خانواده خود را امر و نهی می‌کردند و باید‌ها و نبایدها را معین می‌نمودند و نکته مهم‌تر این که آیه «قوا انفسکم واهلیکم»؛ دقیقاً بعد از ماجراهای زنان پیامبر (نافرمانی، افشای اسرار، تقاضاهای مادی...) آمده است.

### ۳: جداسازی راه

اگر روش‌های پیشین یعنی موعظه و آموزش، حفظ خانواده از راه ایجاد حریم و امر و نهی سودی نبخشد و خانواده بر انحراف خود اصرار ورزید، مدیران باید راه خود را جدا سازند. لذا خداوند متعال از بشر می‌خواهد محدوده اطاعت از خانواده را بدانند و تا جایی مطیع آنان باشند که به خروج از محدوده الهی نینجامد.<sup>۴</sup> و

۲. نورالثقلین، ج ۵، ص ۳۸۲.  
۴. عنکبوت / ۸؛ لقمان / ۱۴ و ۱۵.

۱. تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۲۸۷.  
۳. بحارالانوار، همان.

تصریح می‌کند که در صورت تراحم «واتبع سبیل من اناب الی»؛ از راه کسانی که به من روی کرده‌اند، پیروی کن.  
علاوه بر این خطاب عمومی، خداوند در خطاب به رهبران الهی هم این مرزها را مشخص کرده و خواهان  
جداسازی مسیر شده است.<sup>۲</sup>

---

۲. احزاب / ۲۸ - ۲۹؛ هود / ۴۰ و ۴۶؛ تحریم / ۴، ۵، ۱۰، ۱۱.

۱. نمل / ۱۵.